

## «حلقات»

# درس 7

استاد: حجت‌الاسلام والمسلمین علم الهدی  
آموزشیار: آقای ذکری

## مقدمه

شهید صدر در مبحث ادله عقلیه، قضایای عقلیه‌ای را که در علم اصول بحث می‌شوند و در مقام استنباط حکم شرعی مورد استفاده قرار می‌گیرند به دو گروه فعلیه و شرطیه تقسیم کرد و یکی از انواع قضایای فعلیه را قضایای ترکیبیه شمرد.

ایشان در این درس یکی از مثال‌های قضایای ترکیبیه که قاعده استحاله تکلیف غیر مقدور نام دارد را بیان می‌کند و در راستای بررسی این قاعده به بحث درباره تکلیف و مراتب آن می‌پردازد.

## متن درس

قاعدة استحالة التكليف بغير المقدور شرطية القدرة و محلها:

فى التكليف مراتب متعددة و هى: الملاك، و الإرادة، و الجعل، و الإدانة. فالملاك هو المصلحة الداعية إلى الإيجاب. و الإرادة هى الشوق الناشئ من إدراك تلك المصلحة. و الجعل هو اعتبار الوجوب مثلاً، و هذا الاعتبار تارة يكون لمجرد إبراز الملاك و الإرادة، و أخرى يكون بداعى البعث و التحريك، كما هو ظاهر الدليل الذى يتكفل بإثبات الجعل.

و الإدانة هى مرحلة المسؤولية، و التنجز، و استحقاق العقاب.

و لا شك فى ان القدرة شرط فى مرحلة الإدانة، لأن الفعل إذا لم يكن مقدوراً فلا يدخل فى حق الطاعة للمولى عقلاً،

## تکلیف به غیر مقدور و مراتب چهارگانه تکلیف

نکته:

دلیل عقلی اصولی دلیلی است که از عقل به دست می‌آید و قابلیت استدلال در ابواب مختلف فقه را دارد؛ حال اگر قاعده استحاله تکلیف به غیر مقدور بخواهد یکی از مصادیق دلیل عقلی اصولی قرار گیرد، باید با دلیل عقلی ثابت شود که اگر کسی قادر بر فعلی نباشد محال است که شارع او را به آن فعل تکلیف کند.

### بررسی مراتب چهارگانه تکلیف بر اساس وجوب

#### الف - مربوط به شارع

- 1 - ملاک: در حقیقت انگیزه مولا برای جعل، وجوب می باشد به این معنا که هرگاه فعلی مصلحت ملزمه و شدید داشته واجد ملاک وجوب است و به مولا این انگیزه را می دهد که وجوب را بر این فعل جعل کند.
- 2 - اراده: همان شوقی است که برای مولا بعد از تصور ملاک فعل ایجاد می شود، در حقیقت این شوق ناشی از وجود مصلحت در فعل می باشد.
- 3 - جعل: همان اعتبار وجوب است به این معنا که مولا وجوب را بر عهده مکلف قرار می دهد.

نکته:

دو نوع انگیزه برای جعل مولا متصور است یکی ابراز ملاک و شوق است به این معنا که مولا فقط به منظور اعلام مصلحت فعل و شوق خودش به انجام فعل، برای آن فعل وجوب را جعل می کند و دیگری بعث و تحریک مکلف به سوی انجام فعل می باشد؛ مانند «صلّ» که به انگیزه تحریک مکلف به سوی صلات جعل شده است و اگر مولا می خواست ابراز مصلحت و شوق بکند از راه های دیگر استفاده می کرد.

Sco1:7:34

#### ب - مربوط به مکلف

- 4 - ادانه: هرگاه تکلیفی بر مکلف، فعلیت یافت و مکلف علم یا اماره معتبر بر این فعلیت به دست آورد تکلیف بر او منجز می شود؛ یعنی به مرتبه ادانه و مسئولیت راه پیدا می کند که در این صورت مخالفت با چنین تکلیفی استحقاق عقاب بهمراه خواهد داشت.

## نکته:

مراتب چهارگانه تکلیف را می توان بر اساس حرمت نیز بررسی کرد؛ در این صورت ملاک فعل ، مفسده است و اراده، بغض ناشی از وجود مفسده در فعل می باشد و جعلی هم که بر فعل محقق می شود جعل حرمت خواهد بود.

Sco1:17:44

## مراتب تکلیف و قدرت مکلف

مشروط به قدرت بودن تکلیف، مانع از آمدن تکلیف بر عهده شخص عاجز می شود؛ بنابراین هر کدام از مراتب چهارگانه تکلیف را از جهت مشروط به قدرت بودن، جداگانه، بررسی می کنیم.

## مرتبه ادانه

یک تکلیف وقتی در دایره مسئولیت مکلف قرار می گیرد که متعلق حق طاعت مولا قرار گرفته باشد؛ یعنی مولا حق داشته باشد که از او اطاعت شود و از آنجایی که عقلاً افعالی متعلق حق طاعت مولا می شوند که مقدور باشند ؛ نتیجه می گیریم که افعال خارج از قدرت مکلف متعلق حق طاعت مولا قرار نمی گیرند ؛ بنابراین شخص عاجز ، مسئولیتی نخواهد داشت و تکلیفی بر عهده او نمی آید.

Sco2:23:27

1. دلیل عقلی اصولی، دلیلی است که از عقل به دست بیاید و قابلیت استدلال در ابواب مختلف فقه را داشته باشد.
2. یکی از مصادیق دلیل عقلی اصولی قاعده استحاله تکلیف به غیر مقدور می باشد.
3. از مراتب چهارگانه تکلیف ملاک، اراده و جعل مربوط به شارع می باشند و مرتبه ادانه مربوط به مکلف است.
4. انگیزه مولا برای جعل، ناشی از همان مصلحت فعل می باشد.
5. شوق مولا ناشی از وجود مصلحت در فعل است.
6. مولا دو انگیزه برای جعل می تواند داشته باشد؛ یکی ابراز ملاک و شوق و دیگری تحریک مکلف به سوی انجام فعل.
7. با دو شرط تکلیف به مرتبه ادانه راه پیدا می کند؛ یکی فعلیت تکلیف و دیگری علم مکلف به این فعلیت.
8. فعلی، متعلق حق طاعت مولا قرار می گیرد که مقدور باشد.